

ترجمه بسیار قدیمی از قرآن کریم

دکتر سید علی موسوی گرمارودی

این نسخه با شماره ۵۵۷۰ در انستیتوی شرق شناسی و میراث خطی آکادمی علوم تاجیکستان نگاهداری می شود. قطع آن ۲۷×۳۸ سانتی متر و دارای ۲۶۳ برگ (صفحه A و B) است. کاغذ آن نازک تر از کاغذ سمرقندی و نوع آن احتمالا کاغذ ختایی است.

تمام اوراق دارای دو خط جدول مذهب به ابعاد ۱۹×۳۲ سانتی متر است که خط بیرون، فیروزه ای و خط درون طلایی است.

کنار برخی اوراق یک شمشه تزئینی دارد واز آن ها، هریکس که از آسیب فرسودگی در طی قرون، محفوظ ترمانده، چنان زیباست که شکوه قرن ها پیش کتاب را با دیدن آن می توان به آسانی تصور کرد و گویی در تذهیب این شمشه، به قول بیدل، خورشید را حل کرده اند:

تازسرلوحش بسازم آفتابی بی زوال
در پی تذهیب او خورشید را حل کرده ام
در برخی از وراق، درکناره بیرونی جدول ها، در شمشه های کوچک تر، آیاتی که برای قرائت در نمازهای پنجگانه مناسب تر دانسته شده با کلمات الفجر، الظهر، العصر، المغرب یا العشا، مشخص شده است.

هر صفحه ای دارای ۱۳ سطر متن عربی آیات و ۱۳ سطر ترجمه فارسی در زیر آیات است که هر دو با مرکب سیاه و با خط محقق نوشته شده است. اما متن آیات با قلم درشت تر و ترجمه آیات، با قلم ریزتر، و کاتب هر دو بی گمان، یک نفر بوده است زیرا تمام ویژگی های

پنجاه

سال هشتم
شماره ۳۱

۱۱۰

هر دو خط، یگانه است.

علامت های تجوید در کنار صفحه یا میان آیات، با رنگ قرمزآمده است. آیات مطلقا شماره ندارد و فواصل آیات تنها با طرح یک گل کوچک شش برگ و مذهب، از هم جدا شده اند.

خط، بسیار پخته و بسیار استادانه است، حرکات الفبا و صعود و نزول و دور آن ها استوار و با پختگی است اما کاتب دغدغه خوشنویسی و ایجاد یک اثر هنری، نداشته است. نام سوره ها، در کتیبه هایی مذهب و نسبتا ساده و با خط تعلیق (در برخی حروف متمایل به خط دیوانی) آمده است.

کلمات عربی متن قرآنی برای ترجمه فارسی کتابت شده اند، یعنی هر کلمه با فاصله ای اندک از کلمه دیگر با مرکب سیاه و ترجمه هر کلمه، زیر آن با قلم نازک تر آمده است. در واقع کاملا مشهود است که در کتابت، متن مقدس قرآن، تابع ترجمه است نه ترجمه تابع کتابت قرآن. در کناره برخی صفحات طی قرون مختلف و با خطوط گوناگون، مطالبی در توضیح معانی برخی آیات نوشته اند.

افتادگی های آغاز و میان و پایان این نسخه

از آغاز حدود ۱۱ صفحه افتادگی دارد یعنی تا آخر آیه ۷۶ از سوره بقره. ۱. در میانه، از آیه ۳۸ سوره ۳۳ (احزاب) تا وسط آیه ۵۰ یعنی، تا جمله: خالصة لك من دون المؤمنین، کم تر از دو صفحه افتادگی دارد.

باز در میانه، در ورق صد و سی و یکم (به شمارش خود نسخه)، از آیه: ان الله يحول بين المرء و قلبه، یعنی آیه ۲۴ سوره مبارک انفال تا آخر صفحه، یعنی تا ابتدای آیه: ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا، افتادگی دارد.

از افتادگی های میانه نسخه، مهم تر از همه، افتادگی حدود ۲۰ صفحه، از ورق ۲۶۰ تا ورق ۲۷۰، یعنی دقیقا از آیه ۲۰ سوره نور تا آیه ۱۹ سوره مبارک نمل است.

بنابراین، این نسخه، متاسفانه، متن و ترجمه سوره های فرقان و شعرا را مطلقا و سوره های نور و نمل را از آیه ۲۰ به بعد، ندارد.

از پایان نیز چهار و نیم ورق (پنج صفحه) افتاده یعنی تا آخر سوره واللیل بر جاست. ۲.

ویژگی های ترجمه این نسخه

از مجموع فرسودگی صفحات، نوع کاغذ، شیوه تذهیب ها، نوع خط، رسم الخط ترجمه و حوزه لغات و زبانی و بیان آن، کاملا مشخص می گردد که فاصله این ترجمه به ما از حدود

هشت قرن کم تر نیست .

اینک به برخی از ویژگی های این ترجمه که قدمت آن را می رساند، اشاره می کنیم:

۱. کاربرد لغات مهجور: در ترجمه آیه من نطفه خلقه فقدره (عبس، ۸۰ / ۱۹) کلمه چپلک را آورده است: «از پاره آب چپلک بیافرید او را پس تقدیر آدمی کرد». این کلمه در شعر منوچهری دامغانی به معنی چرکین و نکبتی و ناتمیز، به کار رفته است:

هر کو بجز از تو به جهانداری بنشست
بیدادگر است و چپلک، بی خرد و بس^۳

۲. کاربرد صورتی از کلمات آرکائیک مثل خستون به جای خستو با ترکیب تازه ناخستون. می دانیم که فردوسی بزرگ این کلمه را در شاهنامه در قرن چهارم هجری به گونه خستو و به معنی معترف به کار برده است:

زگفتار بیکار یکسو شوی^۴ به هستیش باید که خستو شوی

و نیز به معنی مؤمن:

که خستو نباشد به یزدان که هست^۵ شاید خور و خواب با او نشست
چنان که اشاره کرده ایم این کلمه در شکل منفی آن و به صورت ناخستون در نسخه حاضر و در ترجمه یکفرون (آیه ۹۱ سوره مبارک بقره) به کار رفته است.

و در ترجمه اقرتم، خستون آمدید بکار رفته است (ورق دهم B) که باز درست برابر کاربرد شاهنامه است:

بیرم میانش به برنده ار^۶ چو خستو نیاید نیندد کمر

۳. در ترجمه کلمه قرآنی غافل (ورق ۱۱ A) ترکیب نی آگاه بجای نا آگاه، بکار رفته است.

۴. در ترجمه یکسون، الفنجیده اند بکار رفته است که کلمه ای بسیار قدیمی و باریشه سغدی است: وویل لهم ممّا یکسون: (بقره، ۷۹/۲) و وای مرا ایشان را از آن چه الفنجیده اند (ورق نهم A سطر ۶)

کسره اشباعی (=ی)، همه جا به صورت همزه بکار رفته مانند: به تنهائ خویش، به جای: به تنهای خویش (در ترجمه: انفسهم، ورق ۱۰ B)

۶. همه جا همزه استفهام به (ا) ترجمه شده است مثلاً در ترجمه اقلنت: اُبکشی (ورق ۲۲۱ A سطر پنجم) و در برابر افانتم له منکرون (انبیاء، ۵۰ / ۲۱) (ورق ۲۴۰ A سطر سوم) آورده است: اُپس شما مر آن را منکرید. در همین ورق، در سطر هشتم، در ترجمه اُجتتنا، آورده ای، آمده است.

۷. بای فارسی (پ) را، همه جا با یک نقطه در زیر آورده است: بس به جای پس، بند به جای پند، بیش او، به جای پیش او؛ و . . .



۸. کلمات مختموم به (ی)، همه جا دو نقطه در زیر (ی) دارد حتی کلماتی مانند موسی و عیسی .
 ۹. چه و که و آنچه ، همه جا به صورت کی و جی و انج، نوشته شده است .
 ۱۰. کاف فارسی (=گ)، همه جا با یک سرکج آمده: کرامی به جای گرامی، نمی گزارد به جای نمی گزارد .

۱۱. انانک به جای آنانکه، انان به جای آنان .

۱۲. نام های عربی به شیوه فارسی جمع بسته شده اند: آیت ها، به جای آیات .

۱۳. صفت را با موصوف در جمع، برابر آورده است: بندگان کرامیان .

۱۴. رعایت دقیق ذال معجم: همه جا در ترجمه، برادر، پدر، مادر و خدا آمده است به جای برادر، پدر و مادر و خدا .

طبق قاعده ای که در قدیم در نثر و شعر و بعدها تا زمان ملک الشعرا بهار در شعر (در قافیه) رعایت می شد و چنانکه خواجه نصیر طوسی به نظم در آورده است، آن قاعده این بود که:

آنان که به پارسی سخن می رانند در موضع دال، ذال را نشانند
 ما قبل وی ار ساکن جز «وای» بود دال است و گرنه ذال معجم خوانند
 یا به قول شرف الدین علی یزدی:

در زبان فارسی فرق میان دال و ذال با تو گویم زانکه نزدیک افاضل مبهم است
 پیش از او در لفظ مفرد گر صحیح ساکن است دال باشد ورنه باقی جمله ذال معجم است ۷

نگاهی به برخی برابر نهاده ها در این ترجمه

- دوگان دوگان در برابر: زوجین اثنین (ورق ۱۸۱ A سطر نهم)
- انبازگویان در برابر: مشرکین (ورق ۱۰۱ A سطر دهم)
- بی از انک در برابر: بغیر (ورق ۲۲۱ A سطر پنجم)
- (خواهد آسمان ها از هم شکافدی از هول این سخن و بشکافدی زمین و از پای درآمدی کوه ها و بشکندی) در برابر: تکاد السماوات يتفطرن منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدًا (مریم، ۱۹ / ۹۰) (ورق ۲۲۹ A)

- و بالشت ها پس یکدیگر ایستانیده، در برابر: و نمارق مصفوفه (غاشیه، ۸۸ / ۱۵) (ورق ۲۶۰ A سطر نهم)

- و نهالی ها بازکشیده، در برابر: و زرابی مبثوئه (غاشیه / ۱۶) (ورق ۲۶۰ A سطر نهم)
 (دو عبارت اخیر، چقدر همگون زبان و بیان تاریخ بیهقی است!)

فوائد زبان شناختی و زیبایی های این اثر بسیار بدیع، بر هیچ محقق، پوشیده نیست .
 صاحب این قلم بر آن است که اگر گرفتاری های شغلی در این دیار غربت بگذارد، تمام

* ترجمه بسیار قدیمی از قرآن کریم



ترجمه این اثر بسیار گرانبها را بازنویسی و سپس منتشر کند.

نمونه هایی از این ترجمه

در بازنویسی ترجمه آیه های ۷۷ تا ۹۳ سوره بقره از این نسخه، به جز آن جا که در متن اصلی ذال معجمه آمده و ما امروزه آن را دال مهمله تلفظ می کنیم مانند خدای، مادر، پدر: و به جز کسره اشباعی (=ی) که در این متن همه جا به گونه همزه ای مستقل به کار رفته است، مانند بدستهای؛ موارد دیگر را به ترتیب ذیل به رسم الخط امروز دگرگون کرده ام تا خوانندگان آسان تر دریابند:

بازنویسی	نسخه اصل	که	کی
آن	ان	تورات	توریت
آنکه	انک	حرف پ	حرف ب
آنچه	انچ	حرف چ	حرف ج
بدانچه	بدانچ	حرف گ	حرف ک

ورق دهم A

از اول آیه ۷۷، سوره مبارک بقره (برابر با اول صفحه ۱۲ در قرآن های خط عثمان طه)
 ۷۷. ا [ونه] ^۸ می داند جهودان که خدای می داند آنچه پنهان می کنید [و آنچه] آشکار می کنید
 و از ایشان گروهی نانیسندگاند ندانند از تورات [جز] خواندن ظاهر و نیستند ایشان مگر بگمان
 ۷۸. پس وای مر آنانرا که [می نیسند] تورات [را] بدستهای خویش پس می گویند این از
 [زند] خدای [است] تا بستانند بدان بهاء اندک. پس وای ویل (کذا) مر ایشان را [از آنچه]
 بنوشت دستهایشان و وای مر ایشانرا از آنچه الفنجیده اند.

۷۹. [و گفتند] هرگز نیساید ما را آتش مگر روزی چند شمرده [بگو آیا] نزدیک خدای عهد
 می دارید پس هرگز خلاف نکند [عهدش را] یا می گوید بر خدای آنچه نمی دانید.
 ۸۰. [آری] هر که الفنجد و گرد بر گرد او در گرفت بدیها [دو کلمه ناخوانا] اهل آتش ایشان
 در آن جاوید مانند.

۸۱. [ترجمه تمام آیه ناخوانا]

ورق دهم B

۸۲. [دو کلمه افتادگی دارد] پیمانی با فرزندان یعقوب که نپرستید مگر خدایرا و براستا (ی)
 مادر و پدر نیکویی کنید و همچنان با خویشان و بر یتیمان و درویشان و بگوئید بر مردمان
 نیکویی و بر پای دارید پنج نماز و بدهید زکوه، برگشتید.



شما جهودان مگرانذکی از شما و شما روی گردانیده‌اید .

۸۳ . و چون پیمان بستیم استوار بر شما که نریزید خونهای یکدیگر و بیرون نکنید یکدیگر را [از] خانمان شما پس خستون آمدیم (کذا) ۹ و شما حاضران گواهی می دهید .

۸۴ . پس شما جهودان می کشتید یکدیگر را و بیرون می کنند (کذا) ۱۰ گروهی را از شما از خانه‌های ایشان خصمان ایشان را یاری می دهید بر ایشان [یک کلمه ناخوانا، شاید : (بد)] کاری و ستمکاری و اگر گرفتار آید از شما اسیران بدست شما [یک کلمه ناخوانا، شاید : (فدیه می (د) . . . هید و باز می خرید و آن حرامست بر شما بیرون کردن ایشان [دو کلمه ناخوانا] از تورات و ناخستون شوید بیعضی ۱۱ [شش کلمه ناخوانا] مگر رسوایی .

ورق یازدهم A

در زندگانی این جهان و روز رستخیز بازگردانیده شوید زی ۱۲ سخر (= سخت تر) عذاب نیست خدای نی آگاه ۱۳ از آنچه می کنید .

۸۵ . ایشانند آنانکه خریدند زندگانی این جهان بدان جهان پس سبک کرده نشود از ایشان ۱۴ عذاب [یک کلمه افتادگی، ظاهر : و نه] ایشان راهیچ کس یاری دهد .

۸۶ . و بدرستی بدادیم موسی را کتاب و بفرستادیم از پس او را پیغامبران دیگر و بدادیم عیسی پسر مریم را پیدایی وقوی گردانیدیم او را بجان پاک، اُپس او هرگاه بیاوردی بشما پیغامبری شریعتی، بدانچه دوست نداشتی نفسها شما سرکشی کردند ۱۵ پس گروهی را دروغ زن کردند ۱۶ و گروهی را بکشید .

۸۷ . و گفتند دل‌های ما [کلمه ای ناخوانا شبیه به (غلافت)؟] نه چنان است که لعنت کردست شان خدای بکفرایشان پس اندکند که بگروند .

۸۸ . و چون بیاید بدیشان کتاب از نزد خدای راست گوی کنند مر آنچه را با ایشانست، و بودند پیش از آن هیچ [یک کلمه افتادگی] بر آنان که کافر شدند پس چون پیامدشان [یک کلمه ناخوانا] .

ورق یازدهم B

۹۰ . [دو کلمه ناخوانا] کافر شدند بدان پس لعنت خدای بر همه کافران باد [یک کلمه ناخوانا] که برگزیدند بدان تنه‌ای خویش که کافر شدند بدانچه فرو فرستاد خدای برای حسد که فرو فرستد خدای از فضل خود بر آنکس که خواهد از بندگان خود پس سزاوار گشتند مر نفرین خدایا بر نفرین و خشم دیگر و مکافران را عذابی باشد خوار کننده .

۹۱ . و چون گویند مر ایشان را که بگروید بدانچه فرو فرستاد خدای گویند بدان گرویم که بر ما منزل شدست از آسمان و ناخستون می شوند بدانچه وراء آنست و آن درستست راست کننده مر تورات که بر ایشانست، بگو چرا می کشتید پیغامبران خدایا پیش از این، اگر شما راست گویانید .



۹۲. و بدرستی که پیامدشان^{۱۷} موسی علیه السلام (کذا) با پیدایی ها پس خدای گرفتید گوساله را از پس آن^{۱۸} و شما ستمکاران بودید.

۹۳. و چون بیستیم ما پیمان استوار بر شما و برافراشتیم بر سر شما کوه طور را گفتمی بگیرید آنچه دادیم شما را به نیرو و بشنوید احکام آن را گفتند شنیدیم [یک کلمه افتادگی] و اندر خورانیده شدست در دلهای و ایشان گوساله بسبب کفر ایشان.

ترجمه تمام سوره عبس

دربازنویسی و ارائه ترجمه سوره عبس، هم رسم الخط اصلی متن و هم بازنویس آن با رسم الخط امروز را تقدیم داشته‌ام تا خواننده ارجمند صورت اصلی متن را هم درست آنگونه که در نسخه اصل آمده است ببیند. ۱۹

ورق ۴۳۰ B

سوره عبس، اثنان و اربعون آیه
بنام خدای بخشاینده مهربان

روی ترش گرفت و بگردانید. که نزدیک او آمد آن نابینا. و چه دانی تو ای محمد (کذا) باشد که آن نابینا می خواست که پاک شود. یا پند خواست پذیرفت پس سود خواست داشت او را آن پند. اما هر که از خدای، خود را بی نیاز دارد. پس تو مرورا تعرض کنی و روی بدو آری. و نیاید بر تو ضرری، که کافر نگردد. و اما هر که بیاید نزدیک تو و سعی کند. و او بترسد از خدای. پس تو از وی مشغول شوی. دوری (کذا) باد از تو این کار بدرستی که این آیت ها پندیست. پس هر که خواهد پند گیرد. نبشتست در صحیفه گرامی کرده. با رفعت و طهارت. بدست فرشتگان سفیر باشد. بندگان گرامیان نیکوکار.

ورق ۴۳۱ A (دنباله سوره عبس)

لعنت کرده شد آدمی را چه کافر کرد او را. از چه چیز آفریدست او را. از پاره آب چپلک بیافرید او را پس تقدیر آدمی کرد او را. پس راه خیر و شر میسر کرد پیش او. پس بمیرانید او را پس گور کرد تا رسوا نشود. پس چون خواهد زنده کند او را. حقا که نمی گزارد آنچه آفریدگار فرمودست. پس گو بنگر (د) آدمی بنظر عبرت. که ما فرو بارانیدیم بارانرا باریدن به رحمت. پس بشکافتیم زمین را شکافتنی نیکو. پس برویانیدیم در آن دانه ها. و انگور و سبزی که علف ستور باشد. و درخت زیتون و خرما. و باغها(ی) پر درخت. و میوه خوش مزه و چراخوارها. تا برخورداری باشد مر شما را و مر چهار پایان شما را. پس چون بیاید روز قیامت. روزی که بگریزد مرد از برادر خود. و از مادر خود و پدر خود. و از زن و فرزند خود. مر هر مردی را از



ایشان آن روز اندوهی باشد و از دیگران مشغول کرده. بعضی روی ها آن روز تازه و خندان و شادمان باشد. و بعضی روی ها آن روز نشسته باشد بر آن گردبادی (کذا). پوشیده باشد آن را تاریکی و سیاه (اهی). ایشان (ن) آن کافران نابکاران.

ورق ۴۳۰ B

سوره عبس، اثنان واربعون آیه

روی ترش گرفت و بگردانید. کی نزدیک او آمدن نایبنا. و جی دانی تو ای محمد باشد کی ان نایبنا می خواست کی پاک شود. یا بند خواست بذیرفت بس سود خواست داشت او را آن بند. اما هر کی از خدای خود را بی نیاز دارد. بس تو مر ورا تعرض کنی و روی بدو آری. و نیاید بر تو ضرری کی کافر نکرده. و اما هر کی بیاید نزدیک تو و سعی کند. و او بترسد از خدای. بس تو از وی مشغول شوی. دوری باد از او این کار بدرستی کی این آیتها بند نیست.

بس هر کی خواهد بند گیرد. نبشتست در صحیفه کرامی کرده. با رفعت و طهارت. بدست فرشتگان سفیر باشد. بندگان کرامیان نیکوکار.

ورق ۳۱۴ A

لعنت کرده شد آدمی را چه کافر کرد او را.

از چه چیز افریدست او را. از باره آب گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جبلک بیافرید او را بس تقدیر آدمی کرد

اورا. بس راه خیر و شر میسر کرد پیش او.

بس بمیرانید او را بس کور تا رسوا نشود.

بس جون خواهد زنده کند او را. حقا کی نمی گزارد انج افریدکار فرمودست. بس کو بنکر (د) ۲۰

آدمی بنظر عبرت. کی ما فرو بارانیدیم بارانرا

باریدن برحمت. بس بشکافتیم زمین را

شکافتنی نیکو. بس برویانیدیم دران

دانهها. و انگور و سبزی کی علف ستور باشد.

و درخت زیتون و خرما. و باغها بردرخت.

و میوه خوش مزه و جراخوارها.

تا بر خورداری باشد مر شما را و مر چهار -



– پایان شما را . بس چون بیاید روز قیامت .
 روزی کی بگریزد مرد از برادر خود . و از مادر
 خود و بذر خود . و از زن و فرزند خود .
 مر هر مردی را ازیشان آن روز اندوهی
 باشد و از دیگران مشغول کرده . بعضی رویها
 آن روز تازه . و خندان و شادمان باشد .
 و بعضی رویها آن روز نشسته باشد بران کردبادی .
 پوشیده باشد آنرا ۲۱ تاریکی و سیب ۲۲ .
 ایشان ۲۳ کافران نابکاران

- ۱ . ظاهرا بعدها با خط دیگری دو صفحه و نصف از آن افتادگی ، بدون ترجمه جایگزین شده است .
- ۲ . این پنج صفحه نیز در قرون بعد با خطوط دیگر بدون ترجمه ، بازنویسی و جانشین شده است .
- ۳ . لغتنامه دهخدا ، ذیل همین کلمه .
- ۴ . شاهنامه ، ۱ / ۱ ، بیت ۱۲ ویراسته مهدی قریب – محمد علی بهبودی ، نشر توس ، تهران ۱۳۷۳ .
- ۵ . فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه ، داریوش شامیانی ، نشر آران ۶ / ۲۰۸ . همان / ۲۰۸ .
- ۷ . رجوع فرمایید به لغتنامه دهخدا ، ذیل حرف ذال .
- ۸ . آنچه در این علامت [. .] آمده ، افزوده من است که در جای ناخوانا یا افتاده ، به حدس گذارده ام . خواننده محقق می تواند مطلقا آن ها را نادیده انگارد .
- ۹ . ظاهراً سهو کاتب است و باید خستون آمدید باشد زیرا در آیه اقرتتم آمده است نه اقرنا .
- ۱۰ . ظاهراً سهو کاتب است و باید بیرون می کنید باشد زیرا در آیه تخرجون آمده است .
- ۱۱ . اغلب متون قدیمی این کلمه را بدون (ی) می نویسند ، اما در سراسر این متن – به دقت کاویدم – همه جا بعضی آمده است و حتی یک مورد بعض (بدون ی) نیامده است .
- ۱۲ . زی ترجمه الی است ، یعنی به سوی .
- ۱۳ . کذا به جای ناآگاه .
- ۱۴ . کذا به جای : از ایشان .
- ۱۵ . ظاهراً سهو کاتب است و باید سرکشی کردید باشد زیرا در آیه استکبرتم آمده است .
- ۱۶ . ظاهراً سهو کاتب است و باید دروغ زن کردید باشد زیرا در آیه کذبتم آمده است .
- ۱۷ . ظاهراً سهو کاتب است و باید خستون بیامدتان باشد زیرا در آیه جائکم آمده است .
- ۱۸ . استثنا در اینجا مآذرا گذارده است .
- ۱۹ . برای تحقیق این امر ، چون زینگار حرفی ی با دوتقطه در زیر نداشت ، از نرم افزار ورد عربی استفاده کردم .
- ۲۰ . در نسخه دستنویس ، (بنکر) آمده که احتمالاً اشتباه کاتب و صورت درست بنکرد (=بنگرد) است .
- ۲۱ . با آنکه تقریباً در همه جا مصصوت بلند (آ) بدون کلاه (یعنی به صورت مصصوت کوتاه (ا)) صحیح است نوشته می شود ، این مورد از جمله موارد بسیار نادراست که به صورت مذ آمده است .
- ۲۲ . واژه به دلیل فرسودگی و پارگی پایین صفحه نامعلوم است ، ظاهراً سیاهی باید باشد .
- ۲۳ . واژه نامعلوم ، ظاهراً ایشان .

